

بررسی چند روش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

شهین شیخ سنگ تجن^۱

چکیده

در این مقاله به شیوه تدریس زبان فارسی به عنوان زبان خارجی به غیر فارسی زبانان پرداخته ایم. ابتدا تفاوت‌های فراگیری و یادگیری زبان اشاره شده است که در آن به واژه فراگیری که معمولاً به طور نا آگاهانه برای زبان مادری (زبان اول) به کار می‌رود، در برابر واژه یادگیری پرداخته‌ایم که در آن فرد به طور آگاهانه و با تلاش زبان خارجی را می‌آموزد. در ادامه برخی از روش‌های آموزش زبان دوم از قبیل روش ترجمه، روش مستقیم، روش دو زبانه، آموزش زبان ارتباطی و روش فعالیت بنیاد معرفی شده‌اند که در هر یک از آنها به ارائه ساختار و نحوه تدریس زبان فارسی پرداخته‌ایم. دو روش اخیر از روش‌های موفق در آموزش زبان دوم محسوب می‌شوند.

واژه های کلیدی: زبان فارسی، فراگیری، یادگیری، روش‌های تدریس.

۱. مقدمه

زبان نظامی است جهت ارتباط با دیگران از راه صداها، علائم و تفهیم معانی، ایده‌ها و تفکرات با استفاده از کلمات (ریچارد، ۱۹۸۶). کودک توانایی صحبت کردن به زبان مادری اش را در سن ۳ الی ۵ سالگی فرا می‌گیرد که یکی از شگفتی‌های آفرینش است. بسیاری از کودکان نیز در سنین پایین چندین زبان یا گویش را فرا می‌گیرند، درحالی که زبان آموزان در یادگیری موارد اساسی یک زبان خارجی دچار مشکل می‌شوند. پرسشهایی که همواره ذهن زبان‌شناسان را به خود جلب کرده، عبارتند از: چه تفاوت‌هایی میان فراگیری زبان مادری و یادگیری زبان خارجی وجود دارد؟ آیا می‌توان زبان دوم را نیز همانند زبان مادری فرا گرفت؟ در این مقاله ابتدا به تفاوت‌های فراگیری و یادگیری زبان پرداخته‌ایم و در ادامه برخی از روش‌های تدریس زبان دوم^۲ را بررسی کرده‌ایم.

۲. تفاوت‌های بین فراگیری و یادگیری

فراگیری فرآیندی ناآگاهانه است، به طوری که نیازمند هیچ کلاس آموزشی رسمی نیست. کودکان در سن ۳ الی ۵ سالگی زبان مادری شان را از طریق فراگیری کسب می‌کنند، در حالی که یک زبان خارجی از طریق تلاش آگاهانه آموخته می‌شود. در فراگیری زبان، تمرکز فرد بر ارتباطات و دریافت پیام است، در حالیکه در یادگیری بر نحو و دستور زبان تأکید می‌شود. همچنین یکی از موارد ضروری در فراگیری زبان، انگیزه است، در حالی که در یادگیری

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور Shsheikh226@yahoo.com

^۲ شایان ذکر است که واژه زبان دوم با زبان خارجه متفاوت است. زبان دوم به زبانی گفته می‌شود که در موقعیت‌های رسمی یک جامعه کاربرد داشته باشد و زبان آموز بتواند آن زبان را در کنار زبان مادری خود در جامعه بشنود و فراگیرد، در حالیکه زبان خارجی زبانی است که در جامعه شنیده نشده و برای گویشوران به عنوان زبانی ناآشنا محسوب می‌شود همانند زبان انگلیسی در ایران که زبانی خارجی است، در حالیکه در هندوستان زبان دوم به حساب می‌آید. در این مقاله از تفاوت این واژه‌ها صرف‌نظر کرده‌ایم.

زبان اینگونه نیست. مهم ترین نتیجه ای که از فراگیری زبان به دست می آید، فصاحت در استفاده از زبان موردنظر است، در حالی که در یادگیری زبان، ضمانتی برای ایجاد آن وجود ندارد.

بر این اساس فراگیری فرآیندی ناخودآگاه است که کودکان در دستیابی به زبان مادری از آن استفاده می کنند و یادگیری فرآیندی آگاهانه است که منجر به دانستن قواعد دستوری زبان می شود. با مشاهده ی کودکانی که زبان مادری شان را در سنین سه الی پنج سالگی فرا می گیرند، می توان مسائل زیادی در مورد یادگیری زبان به دست آورد. کودکان از یادگیری نه تنها احساس خستگی نکرده، بلکه احساس لذت می کنند. محققان مدعی اند که در آموزش زبان دوم، یادگیری زبان مادری دوباره فعال می شود. کودکان در یک فرایند زبان مادری شان را فرا می گیرند. چنین فرآیندی باید در یادگیری زبان دوم مورد توجه قرار گیرد (مانی نادار و همکاران، ۲۰۰۸).

در یادگیری یک زبان شکل گیری اجزای سخن بسیار مهم است و بر این اساس باید به تلفظ و تکیه صحیح کلمات توجه شود، بنابراین روخوانی با صدای بلند نسبت به روخوانی بی صدا در اولویت قرار دارد. واژگانی که مربوط به زندگی روزمره افراد است باید آموزش داده شوند و موقعیت استفاده از زبان برای نوآموزان زبان خارجی ایجاد شود، تا آنها فرصت بیشتری برای برقراری ارتباط داشته باشند. همچنین محققان معتقدند که در کلاس های آموزش زبان، همواره باید جو دوستانه ای ایجاد شود و زبان آموزان را به جای تمرکز بر فرم و ساختار زبان به دریافت معنا یا پیام متوجه کرد. در برابر اشتباهات برخوردی صبورانه داشت و اگر تصحیحی نیاز بود، به طور ضمنی تصحیح کرد (همان).

بنابراین غفلت از زبان مادری یکی از مهم ترین مشکلات در یادگیری یک زبان است. بهترین راهبرد برای مقابله با این مشکل، تمرکز بر تفاوت های برجسته موجود در تلفظ و قواعد دستوری بین دو زبان است که با شناسایی نکات مشکل می توان روشهای مناسبی ارائه نمود.

۳. روش های تدریس

روش عبارت است از طراحی کلی برای ارائه اطلاعات زبانی بر اساس رویکردی خاص که دارای ۳ جزء رویکرد، طراحی و رویه است. رویکرد به نظریه ی ماهیت زبان و یادگیری زبان مربوط است. طرح عبارت است از: اهداف عام و خاص درس، انواع یادگیری و تکالیف یادگیری، نقش یادگیرندگان و دبیران، نقش (مواد) اطلاعات آموزشی. رویه نیز با فنون، تمرین ها و رفتارها در کلاس درس مرتبط است (همان). روشهای متفاوتی از آموزش زبان خارجه را در زیر مورد بررسی قرار داده ایم.

۱-۳ روش دستور-ترجمه^۱:

در سال ۱۸۴۰ برای جایگزینی روشی به نام روش دستور- ترجمه به جای روش های فردی و دلبخواهی، تلاش هایی صورت گرفت. این روش محصول فکری دانشجویان آلمانی مانند: جان سین استاکر، کارن پلوتاز، اولنورف و جان مدینگر بود. هدف اصلی این دانشجویان تسهیل یادگیری زبان بوده است (مانی نادار و همکاران، ۲۰۰۸).

در قرن ۱۸ و ۱۹ در سراسر اروپا آموزش زبان در درجه اول حول محور عقل گرایی تشکیل شد و به وسیله مدرسی آلمانی به نام کارل پلوز در اواخر سال ۱۸۰۰ گسترش یافت. از آنجایی که زبان لاتین حدود ۳۰۰ سال زبان رسمی اروپا محسوب می شد، این روش ابتدا در کشورهای لاتین و یونان تدریس شد. سپس به علت تغییرات سیاسی جایگاهش را به زبان های زنده انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی داد (ریچارد، ۱۹۹۷ و تزنر، ۲۰۰۶). زبان

¹ Grammar Translation Method

لاتین، در اواسط قرن نوزدهم در کلاس های پیشرفته تر آموزش داده می شد و دانش آموزانی که این زبان را می آموختند، زبان های خارجه دیگر را به آسانی فرا می گرفتند.

روش دستور- ترجمه به عنوان روش سنتی و کلاسیک شناخته می شود. امروزه تغییرات صنعتی سبب شده است که زبان آموزان به جای ترجمه و نوشتن متون ادبی، از زبان، تنها در برقراری ارتباط اجتماعی استفاده می کنند. در روش دستور- ترجمه از زبان مادری در تدریس یک زبان خارجی استفاده می شود. خواندن و ترجمه ی زبان بسیار حائز اهمیت بوده، در حالیکه مهارت های شفاهی مانند مهارت های شنیداری و گفتاری در آن نادیده گرفته شده است. در حقیقت یادگیری زبان در این روش به عنوان یک فعالیت ذهنی محسوب می شود و زبان آموزان مجبور به انجام فعالیت هایی مانند به خاطر سپردن مجموعه عظیمی از لغت های غیر کاربردی و تعداد زیادی از قواعد دستوری هستند.

ریچارد و راجر (۲۰۰۱) ویژگی های این روش را به صورت زیر بیان کرده اند:

۱. تمرکز اصلی باید بر روی نوشتن و خواندن باشد نه گوش دادن و صحبت کردن.
۲. لغات باید تنها برگرفته از خواندن متون، فرهنگ لغت، لغات آموزش داده شده از فهرست واژگان دوزبانه باشد.
۳. جملات واحد اصلی آموزش و تمرین های زبانی هستند. بیشتر درس ها به ترجمه جملات اختصاص داده می شود.
۴. تدریس دستور زبان به وسیله مرور مرتب قواعد دستوری در ترجمه متون و کنفرانس ها ارائه شود.

معایب این روش در زیر بیان شده است:

زبان آموزان در این روش باید به حفظ لغات و دستور پردازند که بسیار خسته کننده است. از آنجایی که زبان ادبی (نثر و نظم فارسی) کاملاً با زبان ارتباطات متفاوت است، زبان آموز قادر به استفاده از زبان فارسی در ارتباطات روزمره خود نخواهد بود. از مهارت های طبیعی زبان مانند مهارت های شنیداری، گفتاری غفلت شده و به این دلیل روشی غیر طبیعی به شمار می رود. مرکز تعامل برای هر زبان آموزی معلم است، نه دیگر دانش آموزان. همچنین در این روش احساسات دریافتی زبان آموز بسیار کم بوده و توجهی به آن نمی شود.

با وجود انتقادات شدیدی که در این روش مشاهده شده است، تعدادی از معلمان و زبان آموزان در سرتاسر جهان از طرفداران سرسخت آن هستند.

در زیر مثالی از این روش در آموزش زبان فارسی ارائه شده است (لارسن فریمن، ۱۹۸۶).

ابتدا معلم متن کوتاهی از گلستان سعدی انتخاب می کند و از زبان آموزان که با حروف و واژه های ساده فارسی آشنایی دارند، می خواهد چند خط از متن کتاب را بخوانند. معلم به زبان مادری زبان آموزان صحبت می کند. او در خصوص واژگان جدید به زبان آموزان کمک می کند و آنها را به زبان مادری شان ترجمه می کند.

پس از اتمام روخوانی و ترجمه متن، معلم به زبان مادری از زبان آموزان می پرسد که سوالات خود را بپرسند و سپس به سوالات آنها به زبان مادری پاسخ می دهد. این فعالیت ادامه می یابد تا جایی که معلم احساس کند به همه ی سوالات پاسخ داده است. سپس معلم از زبان آموزان می خواهد به سوالات مطرح شده در انتهای متن پاسخ دهند. معلم پس از نیم ساعت، به زبان مادری (زبان اول زبان آموزان) از آنها می خواهد تا پاسخ هایشان را بررسی کنند. زبان آموزان یکی پس از دیگری سوالات و پاسخ هایشان را می خوانند. اگر پاسخ درست باشد معلم تأیید می کند و اگر نادرست باشد، خود پاسخ صحیح را می گوید.

معلم در فعالیت بعدی از دانش آموزان می‌خواهد تا به لیست واژگان فارسی توجه کنند و آن‌ها را به زبان مادری خود ترجمه کنند. اگر زبان آموزان معادل واژگان را به زبان مادری ندانند، معلم با استفاده از مترادف، متضاد در زبان فارسی، و نهایتاً ترجمه، پاسخ صحیح را می‌گوید. سپس به تمرینات دستوری می‌پردازد و برای هر تمرینی به زبان آموزان قواعدی دستوری ارائه می‌شود و از آنها می‌خواهد تا جملات فارسی را به زبان مادری خود ترجمه کنند. زبان آموزان همه‌ی تمرین‌ها را از قبیل "جای خالی را با واژه‌های فارسی پر کنید" و غیره را انجام می‌دهند. معلم از زبان آموزان می‌خواهد تا تمام متن را به زبان مادری ترجمه کنند و لغات را حفظ کنند. و با هر لغت جمله‌ای بسازند. او همچنین از زبان آموزان می‌خواهد تا در مورد متن مطلبی بنویسند.

۲-۳ روش مستقیم^۱

در این روش تغییری اساسی از زبان ادبی به زبان گفتاری روزمره، به عنوان هدف آموزشی و یادگیری زبان مشاهده می‌شود. ویژگی‌های برجسته این روش عبارتند از:

استفاده از واژگان و ساختارهای روزمره، تدریس دستور به صورت جزء به کل، مهارت‌های گفتاری با بخش‌های پرسش و پاسخ، تمرینات تقابلی و تمرینات فشرده کلاسی، یادگیری زبان به طور طبیعی مانند یادگیری زبان مادری می‌باشد. معنای عینی از طریق توضیحات، تصاویر و اشیا آموزش داده می‌شوند و معنای انتزاعی از طریق به اشتراک گذاشتن نظرات، آموخته می‌شوند. هر دو مهارت گفتاری و شنیداری آموزش داده می‌شوند. هدف این روش تلفظ صحیح است و از ترجمه خودداری می‌شود.

زیر ساخت نظری این روش بر اساس روانشناسی رفتارگراست که معتقد است عادت‌های گفتاری با استفاده از تقلید و تکرار صورت می‌گیرد. معنای یک کلمه یا ساختار به زبان مادری یا زبان خارجی گفته نمی‌شود بلکه بر اساس استفاده از آن در موقعیت درک می‌شود. زبان آموز باید زبان یادگرفته شده در کلاس را در دنیای بیرون به کار برد. معلم متنی کوتاه تهیه می‌کند. لغات و عبارات دشوار به زبان فارسی (زبان هدف) توضیح داده می‌شوند. درک زبان آموزان از متن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زبان آموزان تمرینات دستور را انجام می‌دهند و قواعد را خودشان کشف می‌کنند. تمریناتی مانند دیکته، انشای آزاد، تلفظ در آموزش به کار برده می‌شوند.

از معایب روش مستقیم می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

این روش نیازمند مهارت بالای گفتاری در معلمان زبان است که به زبان فارسی تسلط کافی داشته باشند. فرآیند ها و روش‌ها دشوار هستند و معلمان باید برای توضیح به زبان دوم بسیار تلاش کنند. یادگیری زبان دوم به همان صورت که زبان مادری آموخته می‌شود به دلیل زمان و فرصت کم به طوری عملی در مدارس امکان پذیر نیست.

مثالی از این روش در تدریس زبان فارسی ارائه شده است (لارسن فریمن، ۱۹۸۶). معلم نقشه‌ی بزرگی از ایران در جلوی کلاس نصب می‌کند و از دانش آموزان می‌خواهد صفحه‌ای از کتابشان را که عنوان آن درباره‌ی فرهنگ ایرانیان است، باز کنند. هر دانش آموز یک جمله از متن فارسی را می‌خواند و معلم قسمتی که جمله توصیف می‌کند را روی نقشه نشان می‌دهد. معلم به زبان فارسی از زبان آموزان می‌پرسد که آیا لغات و عبارات مشکلی وجود دارد اگر زبان آموزان مشکلی داشتند، تلاش می‌کند معانی لغات و عبارات را با کشیدن روی تخته یا توضیحات مرتبط با محتوای متن بفهماند. وی برای بررسی درک مطلب زبان آموزان سوال‌هایی می‌پرسد. هم چنین زبان آموزان را تشویق به پرسیدن سوال‌هایی می‌کند تا درک مطلبشان سنجیده شود. زبان آموزان تمریناتی در دستور زبان از قبیل "جای خالی را با واژه‌های فارسی پر کنید" انجام می‌دهند. آنها جملات را با صدای

¹ Direct Method

بلند می‌خوانند و لغات جا افتاده را جایگذاری می‌کنند. در مرحله بعد، معلم به زبان آموزان تمرین دیکته می‌دهد و سپس تلفظ لغات تمرین می‌شود.

۳-۳ روش دوزبانه^۱

دکتر سی. جی. دارسون این روش را طرح نموده است. در این روش همان گونه که از نامش پیداست، هم از زبان مادری و هم از زبان دوم استفاده می‌شود. این روش را می‌توان ترکیبی از روش‌های مستقیم و دستور-ترجمه دانست (مانی نادار و همکاران، ۲۰۰۸).

اصولی که در روش دوزبانه پیروی می‌شود، عبارتند از: زبان دوم با کمک زبان مادری یاد گرفته می‌شود. زبان مادری برای ترجمه به کار نمی‌رود بلکه برای اهداف ارتباطی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لغات و جملات زبان دوم، با معادل‌هایشان در زبان اول معرفی می‌شوند. واحد آموزشی به جای واژه، جمله است و استفاده از زبان اول تنها به معلم محدود می‌شود و زمانی که زبان آموزان تسلط کافی به زبان دوم پیدا کردند، زبان مادری به کلی کنار گذاشته می‌شود. مثالی از این روش ارائه شده است (همان).

در این روش معلم یک بار مکالمه ای را با صدای بلند برای دانش آموزان می‌خواند و آنها در حالی که کتابهایشان بسته است، به او گوش می‌کنند. سپس زبان آموزان در حالی که کتابهایشان را گشوده‌اند، جملات را پس از معلم تکرار می‌کنند. معانی با معادل‌های زبان اول در سطح جمله بیان می‌شود. معلم هر جمله از مکالمه را دوبار تکرار می‌کند و ترجمه جمله را بین این دو مرتبه بیان می‌کند. معادل هیچ لغتی بیان نمی‌شود.

این روش تفاوت چندانی با روش‌های پیشین ندارد. زبان آموزان برای درک ساختار زبان دوم به زبان مادری خود وابسته هستند. کانون توجه در این روش بر ساختار دستوری است و چگونگی استفاده از این ساختارها در مکالمات روزمره مورد توجه قرار نمی‌گیرد. معلمان نیز باید در هر دو زبان مهارت لازم داشته باشند. ترجمه جمله به جای معادل واژه ارائه می‌شود. به کارگیری زبان مادری در این روش مجاز می‌باشد و زمانی که دانش آموزان به مهارت ارتباطی خوبی دست یافتند، زبان مادری کنار گذاشته می‌شود و رویکرد یک زبانه شکل می‌گیرد.

انتقادی که بر این روش و روش‌های پیشین وارد است، تأکید آنها بر اجزای زبان مانند لغات، ساختار، واژه پردازی و دستور است. در حالیکه زبان به معنای ارتباط است. رویکردهای ذکر شده پیشین از این عملکرد زبان غافل بوده و به جای آن صورت و دستور زبان را مورد توجه قرار دادند، در حالی که زبان آموزان علاوه بر مهارت زبانشناسی باید مهارت برقراری ارتباط را نیز بیاموزند. بر این اساس روش دیگری در آموزش زبان دوم مطرح گردید که به آموزش زبان ارتباطی شهرت یافت.

www.Anjomanfarsi.ir

۳-۴ آموزش زبان ارتباطی^۲

محققانی همچون کریستو فرکندلین و هنری ویدوسان (مانی نادار و همکاران، ۲۰۰۸) از طرفداران رویکرد آموزش زبان ارتباطی بودند که به تدریج رواج یافت و با عنوان CLT شناخته شد. این روش در سال ۱۹۷۲ در اروپا مطرح شد که در آن هدف، توسعه مهارت ارتباطی در زبان آموزان بود و به جای صورت زبان بر معنا و کاربرد زبان تأکید می‌شد.

¹ Bilingual Method

² Communicative Language Teaching

بنابراین در این روش بر درک و بیان شفاهی زبان آموز به زبان دوم تأکید شده و موارد دستوری و ساختاری در اولویت نیستند. زبان فراگیری می‌شود و به صورت یادگیری آگاهانه نیست. معلم از طریق به‌کارگیری فعالیت‌ها و تکالیف حل مسئله که موجب مشارکت و فعالیت متقابل زبان آموزان می‌شود، فراگیری زبان را تسهیل می‌کند. هدف از تعامل زبان آموزان در فرآیند یادگیری گسترش، خودکار و خود جوش زبان در فرد است. بر این اساس به همهی مهارت‌های چهارگانه زبان شامل مهارت‌های شنیداری، گفتاری، خواندن و نوشتن به طور یکسان پرداخته می‌شود.

در این روش، یادگیری به متن کتاب محدود نمی‌شود. مطالب دیگری مانند روزنامه‌ها، مجلات، تصاویر، فیلم و نقشه‌های دیواری نیز استفاده می‌شوند. یادگیری شامل فعالیت‌های زیادی است، از قبیل: فعالیت‌های گروهی یا دو نفره، بازی‌های زبانی، اجرای نمایش، ایجاد انگیزه، بخش‌های پرسش و پاسخ از تجربیات شخصی زبان آموزان. مثالی از این روش در آموزش زبان فارسی ارائه شده است (لارسن فریمن، ۱۹۸۶).

۱. بازی ساده: به همهی زبان آموزان کارت‌هایی داده می‌شود که بر روی آنها یک حرف از الفبای فارسی نوشته شده است. مانند الگویی که در زیر نشان داده شده است. از زبان آموزان می‌خواهند تا با حروفی که در میان هر کارت نوشته شده است. تمام کلماتی را که می‌توانند بسازند و روی برگه ای بنویسند.



۲. بحث گروهی: زبان آموزان به گروه‌های ۴ نفره یا بیشتر تقسیم می‌شوند. یکی از دانش آموزان به عنوان سرگروه انتخاب می‌شود تا پس از خواندن متنی به زبان فارسی اظهارات گروه را گزارش دهد. هنگامی که فعالیت به پایان می‌رسد، سرگروه موارد طبقه‌بندی شده گروهش را بیان می‌کند و از آن دفاع می‌کند. گروه‌های دیگر می‌توانند سئوالات خود را مطرح کنند. در پایان، معلم برگه‌ی محتوای موارد تایید شده را به دانش آموزان ارائه می‌دهد. هر تکلیف تنها بر یک مهارت تمرکز ندارد بلکه هدف گسترش مهارت‌ها در یک روش ترکیبی است. معمولاً همه‌ی تکالیف در ۳ مرحله تکمیل می‌شوند.

مرحله اول- پیش از تکلیف: معلم یک تکلیف آماده سازی برای افزایش علاقه‌مندی به دانش آموزان ارائه می‌دهد. این تکلیف می‌تواند یک بخش پرسش و پاسخ ۱ تا ۲ دقیقه‌ای باشد یا یک عکس و نمودار، تا زبان آموزان را در مورد مرحله بعد کنجکاو کند.

مرحله دوم- همزمان با اجرای تکلیف مواردی که زبان آموزان باید انجام دهند، مانند به مکالمه‌ای گوش دهند (نوار صوتی)، متنی را بدون صدا بخوانند و یا به پرسشی پاسخ دهند، مشخص می‌شود.

مرحله سوم- معلم پس از اتمام مرحله دوم تکالیفی را تعیین می‌کند که مناسب با سطح یادگیری زبان آموزان است و باید در خانه انجام شود.

اشکالاتی که به روش آموزش ارتباطی وارد است، عبارتند از:

۱- این روش، یک روش واحد و ثابت نیست. هر معلم از تکنیک های مختلفی برای تعامل زبان آموزان در فرآیند یادگیری استفاده می کند.

۲- زبان آموزان، زبان دوم را بدون کمک متون کتاب می آموزند که سبب می شود آموزش رسمی در کلاس اجرا نشود.

۳- برای معلمان در روش ارتباطی نقشهای متفاوتی تعیین شده است، از جمله تسهیل کننده، مدیر فرآیند گروهی، مشاور و شرکت کننده مستقل در گروه های یادگیری. این نوع مسئولیت ها برای معلمان بسیار زیاد است.

۳-۵ یادگیری فعالیت بنیاد^۱

یادگیری فعالیت بنیاد، رویکرد جدیدی در آموزش زبان است. این سیستم یادگیری نه تنها فرآیند آموزشی و یادگیری را تسهیل بلکه آن را منطقی و طبیعی کرده است. در محیط آموزشی زبان دوم، فراگیری صحیح انواع تلفظ های واژگان از جنبه های ضروری آموزش زبان است.

فرآیند یادگیری شامل بخش های شنیداری، گفتاری، خواندن و نوشتن می باشد که همانند ساختار بزرگی، چهارستون زبان را محکم نگه می دارند. فقدان هر کدام از این ستون ها موجب صدمه دیدن خود ساختار خواهد شد. هم چنین بی دقتی در هر یک از این چهار فرآیند، منجر به وارد شدن صدمات جبران ناپذیری در فرآیند یادگیری خواهد شد (مانی نادار و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین در این روش حداکثر توجه در تقویت فرآیند یادگیری اعمال می شود.

فرآیند یادگیری شامل فعالیت های زیر می شود.

۱. شنیداری: قافیه ها، حروف الفبا، لغات مربوط به محیط خانه و مدرسه، احوال پرسشی و پاسخ به آن، مکالمات غیر رسمی، ساختارها و دستورات ساده.

۲. گفتاری: پرسش و پاسخ به سوالهای ساده رایج، بیان درخواست های مؤدبانه، استفاده از «تشکر» و «متأسفم» در جایی که نیاز است، اجازه گرفتن، بیان احتیاجات.

۳. خواندن: تشخیص حروف و به ویژه حروف هم آوا در القبای فارسی، خواندن لغات با تصاویر، خواندن لغات بدون تصویر، خواندن لغات در کنار هم.

۴. نوشتن: کشیدن خطوط و منحنی هایی که راهنمای نوشتن هستند، نوشتن حروف الفبا، نوشتن لغات برای دستیابی به حد مطلوب فرآیند یادگیری که در بالا ذکر شد، فعالیت های زیادی پیشنهاد شده است. این فعالیت ها به صورت کارت داده می شوند که هم معلمان و دانش آموزان قادرند به آسانی از آن ها استفاده کنند. زبان آموزان پس از تکمیل هر کارت رضایت درونی داشته و احساس موفقیت می کنند. زبان آموزان دیرآموز نیز بدون هیچ مانعی قادر به پیشروی در مرحله خود هستند. زمانی که زبان آموزان فرآیند یادگیری را با این روش طی می کنند، به خوبی می دانند چه چیزی را یاد گرفته اند و چه چیزی را باید بعداً بیاموزند. هیچ معلمی قادر به حذف مرحله های آموزش زبان نیست. آماده سازی برای آن دسته از زبان آموزانی است که به دلایلی قادر به رفتن به مدرسه در برخی از روزها نیستند. آن ها می توانند از همان مرحله ای که متوقف شده اند و روز آخری که به مدرسه رفته اند یادگیریشان را ادامه دهند (مانی نادار و همکاران، ۲۰۰۸).

مهم ترین نکته در آموزش فعالیت بنیاد آن است که زبان آموزان باید فعالانه در امر یادگیری شرکت کنند. این فعالیت نه تنها در چهار مهارت ذکر شده وجود دارد، بلکه در سطوح بالاتر مانند، تحلیل های زبانی نیز کاربرد دارد.

¹ Activity Based Learning

استفاده از این تکنیک‌ها در کلاس درس به دلیل قدرت تأثیر گذاریشان بر روی یادگیری زبان آموزان مهم و حیاتی است. مطالعات نشان می‌دهد که زبان آموزان روشهایی را که یادگیری فعالیت بنیاد ارائه می‌کند به سخنرانی‌های سنتی ترجیح می‌دهند.

یادگیری فعالیت بنیاد در برابر دیگر روش‌های آموزشی که در آن معلم تنها گوینده کلاس است و زبان آموزان غیر فعال هستند، قرار دارد. در این روش معتقدند زمانی که چیزی می‌آموزیم، ذهنمان به لحاظ علمی تغییر می‌کند. در واقع ایجاد ارتباط بین نوروں‌های مغز، زمانی اتفاق می‌افتد که مفاهیم و نظرات را ابداع کنیم و به دانسته‌هایمان مرتبط سازیم. یادگیری فعالیت بنیاد شامل کشف، پردازش و به کارگیری اطلاعات است و از دو فرضیه اصلی نتیجه شده است:

(۱) یادگیری یک تلاش طبیعی و فعال است.

(۲) افراد مختلف به روش‌های مختلفی می‌آموزند.

یادآوری این نکته مهم است که زمانی که زبان آموزان فرصت کافی برای توضیح، پرسش، کاربرد و ادغام علم جدید دارند، کیفیت آموزش و یادگیری افزایش می‌یابد. می‌توان از برخی روش‌های آموزشی استفاده نمود تا زبان آموزان را فعالانه در فرآیند یادگیری شرکت داد. برخی از این روش‌ها گروه‌های بحث، حل مسئله، مطالعات موردی، بازی نمایشنامه، نوشتن نشریه و ایجاد گروه‌های یادگیری است. مزایای استفاده از چنین فعالیت‌هایی تقویت مهارت‌های تفکر منتقدانه، افزایش قدرت حافظه و جذب اطلاعات جدید، افزایش انگیزه و پرورش مهارت‌های جمعی است (همان).

در یادگیری فعالیت بنیاد زبان آموزان در فرآیند یادگیری به طور مستقیم و فعالانه شرکت دارند و به جای دریافت آسان اطلاعات به صورت شفاهی یا بصری، فعالیت انجام می‌دهند. بنابراین در یادگیری فعالیت بنیاد زبان آموزان به جای گوش دادن به سخنرانی و یادداشت برداری در روشهای سنتی پیشین، به انجام کاری مشغول می‌شوند. آنها ممکن است به صحبت کردن و گوش دادن به دیگران دعوت شوند و یا به نوشتن، خواندن و تفکر به تنهایی یا در گروه‌های کوچک ترغیب شوند.

در روش یادگیری فعالیت بنیاد زبان آموزان فرصت می‌یابند تا به طور معنادار صحبت کنند و گوش فرا دهند، بنویسند، بخوانند و بر محتوا، نظرات، مطالب و دغدغه موضوع آموزشی فکر کنند.

در این روش تأکید زیادی بر پرورش مهارت‌های زبان آموزان است. آنها به مراحل بالاتری از تفکر مانند: تحلیل‌ها، ترکیبات و ارزیابی تشویق می‌شوند. همچنین تأکید بیشتری بر توضیح نگرشها و ارزشهای آنها وجود دارد.

یادگیری فعالیت بنیاد کانون توجه را از معلم به زبان آموز و از تحویل محتوای مطالب توسط معلم به فعالیت و مشارکت دانش آموز تغییر می‌دهد. از طریق داده‌های مناسب معلم، زبان آموزان چگونگی دریافت دانش و استفاده هدفمند از آن را می‌آموزند و به کار می‌برند.

۴. نتیجه گیری

در آموزش زبان فارسی هر یک از روشهای فوق را می‌توان مورد استفاده قرار داد. آنچه در این میان مهم است هدف تدریس زبان فارسی به غیر فارسی زبانان است. اگر هدف از آموزش زبان فارسی آشنا کردن افراد با متون نظم و نثر قدیم و آثار بزرگان این رشته است، روش دستور-ترجمه روشی سودمند است. اما اگر هدف از تدریس این زبان

بررسی چند روش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان / ۳۲۷

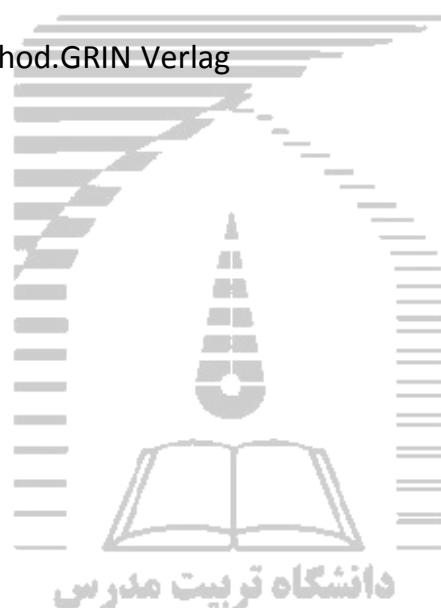
پرورش مهارت‌های گفتاری و در نتیجه زبان ارتباطی است، می‌توان از روش‌های آموزش زبان ارتباطی و روش فعالیت بنیاد بهره جست.

منابع و مأخذ

1. Larson Freeman, Diana. 1986. Techniques and principles in language teaching. Oxford: Oxford university press.
2. Michael Mccarthy & Felicity O'Dell, English Vocabulary in Use, Cambridge: Cambridge University Press
3. N. Mani Nadar, et.al. 2008. English language teaching. Tamilnadu
4. Richard, J.c. & Rodgers. 2001. Approaches and methods in language teaching. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Tezner, R. 2006. The grammar translation method. GRIN Verlag



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی



نخستین همایش آموزش زبان فارسی

[www. Anjomanfarsi.ir](http://www.Anjomanfarsi.ir)